

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره  
موضوع جزئی: آیه ۲۷ - بخش اول - اهمیت عهد الهی و انواع آن  
تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۹۷  
مصادف با: ۱ ربيع الثاني ۱۴۴۰  
جلسه: ۱۸

### ﴿ الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين ﴾

#### خلاصه جلسه قبل

مفردات آیه بیست و هفتم را معنا کردیم. عرض کردیم این آیه متضمن چهار بخش است که سه بخش از آن تبیین سه وصف از اوصاف فاسقین است و بخش چهارم نتیجه فسق فاسقین و کاری است که آنها انجام می‌دهند.

#### بخش اول: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ»

اما بخش اول این بود «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ»<sup>۱</sup> محور مورد بحث در این بخش مسئله عهد است. این آیه اشاره می‌کند به این که یک عهدهی بین انسان‌ها و خداوند وجود دارد که فاسقین آن عهد و پیمان محکم را پاره کرده‌اند.

باید معنای این عهد معلوم شود که منظور از عهد الله که اکنون نقض شده و گسسته شده چیست و چگونه این عهد و پیمان محکم شده، چون ظاهر آیه این است که یک عهد و پیمانی بین خدا و انسان وجود داشته که این محکم شده و بعد توسط فاسقین نقض شده است. پس اولاً باید معنای عهد الله معلوم بشود و ثانیاً معلوم گردد منظور از میثاق این عهد چیست و ثالثاً مشخص شود نقض این عهد چیست و چگونه این نقض صورت گرفته و می‌گیرد.

#### اهمیت مطلق عهد در قرآن

اما در مورد عهد بطور کلی از دید قرآن باید بگوییم که عهد به معنای عام آن از دید قرآن بسیار با اهمیت است. اعم از اینکه این عهد بین انسان‌ها باشد و یا بین انسان و خدا. عهد بین انسان‌ها هم می‌تواند بین مسلمین و باشد یا بین مسلمین و غیر مسلمین باشد.

در قرآن آیاتی بر اهمیت مطلق عهد تأکید کرده:

۱. آیه «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»<sup>۲</sup>، به عهدهای خود وفا کنید چون عهد مورد سؤال قرار می‌گیرد. یعنی این پیمان و تعهدهایی که بین خودتان و بین خود و خدا می‌بندید، این مورد سؤال واقع می‌شود.

۲. در برخی از آیات قرآن وفای به عهد بعنوان یکی از صفات برجسته خداوند معرفی شده. مانند آیه: «وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ» وفای به عهد بعنوان یکی از صفات مهم خداوند ذکر شده که کسی بالاتر از خداوند در وفای به عهد وجود ندارد

۱. سوره بقره آیه ۲۷.

۲. سوره اسراء آیه ۳۴.

پس طبیعی است که کسی وفای به عهد کند من الله است و به خدا و به صفات خداوند نزدیک است و طبیعتاً یکی از وجوه قرب به مقام اقدس الهی همین وفای به عهد است. نمی‌تواند کسی ادعای تقرب بکند ولی اهل وفای به عهد نباشد. لذا اصل وفای به عهد از اصول و اموری است که اهمیت آن نیازی به توضیح ندارد.

۳. اهمیت وفای به عهد و ارزش آن به حدی است که حتی خداوند متعال می‌فرماید: به پیمان‌هایی که با کفار و غیر مسلمین می‌بندید وفادار باشید. یعنی به این پیمان‌ها هم دستور وفا داده می‌شود. هر چند یک آجلی دارد، می‌فرماید: به پیمان‌های با غیر مسلمین وفادار باشید تا زمانی که آنها به پیمان خود پایبنداند؛ «فَاتَمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مَدَّتْهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ». عهدهای خود را با آنها تمام کنید تا زمانی که آنها به عهد پایبنداند. خداوند این را نشانه تقوا دانسته چون در ادامه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ». کأنّ اتمام عهد و پایبندی به عهد نشانه تقوا است و از تقوا محسوب می‌شود که می‌فرماید خداوند متقین را دوست دارد.

بنابراین دیگر نیازی به تبیین اهمیت وفای به عهد نیست، چون آیات بر این مطلب دلالت دارد و روایات بسیاری در این زمینه داریم و همچنین سیره پیامبر و اهل بیت معصومین علیهم السلام گواه بر این مطلب است.

#### اهمیت ویژه عهدالله در قرآن

اما در خصوص عهد الله و اهمیت عهد الله در قرآن آیاتی وارد شده است. یعنی مطلق عهد که اهمیت دارد، اما عهد الله یک اهمیت خاصی دارد و در قرآن برخی از آیات هم اشاره به عهد الله دارد. اینکه معنای عهد الله چیست راعرض می‌کنم ولی بعضی از عهد و پیمان‌ها با خداست. عهد با خدا یعنی التزام و تعهد به آنچه که بین انسان‌ها به معنای عام، یا گروه‌های خاصی از انسان با خداوند بسته می‌شود که این یک اهمیت بیشتری دارد.

۱. مثلاً خداوند در برخی از آیات به لزوم وفای به عهد خودش اشاره کرده «وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»<sup>۱</sup> شما به عهد خود وفا کنید که من هم به عهدم وفا کنم. ببینید این خیلی مهم است که اگر ما این عهد و پیمان با خدا را بشناسیم و به آن وفا کنیم، مطمئن باشیم که خداوند هم به عهد خودش وفا می‌کند و این مسلم است که خداوند بالاترین وفا کننده به عهد است.

۲. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ»<sup>۲</sup>، خداوند در این آیه امر می‌کند به وفای به عهد. وقتی که شما یک پیمانی با خدا می‌بندید به عهدتان وفا کنید چون در این آیه می‌فرماید: «إِذَا عَاهَدْتُمْ». اینجا سخن از معاهده است، یعنی عهد طرفینی؛ یک تعهدی انسان نسبت به خدا دارد و یک عهدی هم خداوند نسبت به انسان دارد.

۱. سوره بقره آیه ۴۰.

۲. سوره نحل آیه ۹۱.

خداوند متعال خودش فرموده که شما به عهد خود وفا کنید، من هم به تعهدی که به شما دادم عمل می‌کنم. اینجا نکته مهم این است که خداوند می‌فرماید: به وفای به عهد از ناحیه من یقین داشته باشید و نگران نباشید و درباره خودتان دقت کنید که به عهدی که با من می‌بندید وفا کنید.

۳. هم‌چنین خداوند می‌فرماید: «وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا»، به عهد خدا وفا کنید.

۴. در یک آیه‌ای اشاره می‌کند به ارزش عهد با خداوند که مواظب باشید این پیمان را به ثمن قلیل نفروشید، یعنی اینطور نباشد که از متاع دنیا یک قلیل و ناچیزی را بدست بیاورید و در مقابلش پیمان با خدا را زیر پا بگذارید «و لا تشترو بعهد الله ثمناً قليلاً». فرض کنید دو نفر باهم معاهده‌ای دارند و بعد یک طرف این معاهده در برابر یک مقدار ناچیزی آن عهد را زیر پا بگذارد، این نهایت بی عقلی است. از این رو هم خداوند متعال وفای به عهد با خودش را نشانه عقل و عدم وفای به عهد را نشانه کم عقلی معرفی کرده است.

۵. «أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ» و «الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ»<sup>۲</sup>؛ می‌فرماید آنهایی که می‌دانند که آنچه از خدا نازل شده، عهدهای الهی، تعهدات و آنچه را که خداوند فرموده، اینها همه حق است و کسانی ارزش عهد خداوند را می‌فهمند که صاحب خرداند. آن کسانی که به عهد با خدا وفا می‌کنند و میثاق را سست و پاره نمی‌کنند، اینها صاحبان خرداند؛ پس آنهایی که این میثاق را از بین می‌برند و نقض می‌کنند و این عهد را می‌شکنند، آنها کم عقل‌اند و صاحب خرد نیستند.

اینجا تناسبش با آیه «و لا تشتروا بعهد الله ثمناً قليلاً» بیشتر معلوم می‌شود. آیا کم عقلی از این بالاتر که انسان عهد با خدا را به مقدار ناچیز بفروشد وجود دارد؟ نوع ما انسان‌ها هم با عهد و پیمان با خداوند اینگونه عمل می‌کنیم. اینکه تعهدات خداوند چیست، خودش موضوعی برای یک بحث مستقل و مهمی است. اگر ما یک فهرستی از تعهدات خداوند نسبت به انسان را بخواهیم بیان کنیم زیاد است و این عجیب است با اینکه او آفریننده انسان است و سرمایه به او داده و همه چیز را فراهم کرده، در عین حال یک تعهداتی هم به انسان داده که این تعهدات هم مربوط به دنیا است و هم مربوط به آخرت و به برخی از این تعهدات هم پیشاپیش عمل کرده و فقط صرف یک وعده نیست. کدام عاقلی این همه امور را نادیده می‌گیرد و این را به یک منفعت کوتاه مدت و آنی و غیر مستمر و گذرا معاوضه می‌کند که به حسب واقع نفع هم در آن نیست؟ پس به این دلیل است که چنین کاری نشانه کم خردی و بی خردی دانسته شده.

به هر حال این عهد، یعنی عهد الله، عهد بین انسان و خدا اهمیت فوق العاده‌ای دارد و قطعاً وفای به این عهد اهمیتش از وفای به مطلق عهد بیشتر و بلکه چندین برابر است و قابل مقایسه نیست.

۱. سوره انعام آیه ۱۵۲.

۲. سوره رعد آیه ۱۹ و ۲۰.

## انواع عهدالله

این اشاره‌ای بود به اهمیت عهد از دیدگاه قرآن و اهمیت ویژه عهد با خداوند. اما اکنون باید دید که عهد الله چیست که اینقدر اهمیت دارد. در آیات قرآن از عهد بین انسان و خدا یاد شده است؛ یعنی چندین عهد و چندین وجه برای عهد بین انسان و خداوند ذکر شده و برخی از مفسرین مثل فخر رازی<sup>۱</sup> در تفسیر خود وجوه مختلفی را برای این عهد ذکر کرده‌اند.

۱. گاهی عهد بین پیامبران و خداوند است که این یک عهد خاص است. بین پیامبران الهی و خداوند یک عهدی است که در قرآن به این عهد اشاره می‌کند: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ»<sup>۲</sup>؛ یعنی ما یک عهد و میثاقی از انبیاء گرفتیم. این عهدی که از انبیاء گرفتند چیست؟ خداوند عهدی از انبیاء گرفته برای تبلیغ رسالت و اقامه دین و اینکه از حول این امر متفرق نشوند. این یعنی همه وجود و وقت و عمر پیامبر باید صرف اقامه دین شود و بعید نیست که بگوییم علما هم که به نوعی وارث انبیاء هستند ولو به اندازه انبیاء نه و لی به هر حال یک مرتبه پایین‌تری از آن رسالت بر عهده آنان هم هست.

۲. گاهی در قرآن از عهد خداوند با علما یاد شده است «وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ»<sup>۳</sup>، این برای مطلق علما و یا عالمان اهل کتاب است که خداوند از اینها این عهد و پیمان را گرفته که این را برای مردم به حتم بیان کنند و کتمان حق نکنند. عدم کتمان حق و تبیین آنچه که در کتاب بیان شده عهدی است که خداوند با عالمان دارد.

۳. گاهی هم از عهد بین انسان و خداوند یاد شده، یعنی اینجا دیگر یک گروه خاصی طرف عهد نیستند. بطور کلی خداوند از انسان‌ها یک عهدی گرفته مثل آنچه که در سوره یس بیان شده «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»<sup>۴</sup>، آیا من از شما عهد و پیمان نگرفتم یا بنی آدم؟ این همان عهد عمومی است که همه انسان‌ها را شامل می‌شود. عهدی که به نحو عمومی خداوند با انسان‌ها دارد چیست؟ عهد با پیامبران و علما که معنایش معلوم است، یک عهدی هم همه انسان‌ها با خداوند دارند که این دیگر شامل انبیاء و علما و غیر این اصناف هم می‌شود. این مخصوصاً برای عالمان دینی خیلی اهمیت دارد که اصلاً به این جهت در زندگی توجه کنند که کسی که عنوان عالم را پیدا می‌کند به خصوص عالم دینی، کأن یک معاهده‌ای را با خدا امضاء کرده. یعنی امثال ما علاوه بر آن عهد عمومی با خداوند، یک عهد خاص با خداوند دارند و ما باید همیشه به این عهد و پیمان توجه کنیم. گاهی ما اصلاً نه تنها این عهد را به یاد نمی‌آوریم، بلکه همان عهد عمومی انسان‌ها را هم فراموش می‌کنیم. این خیلی عجیب است که ما هم عهد خاص با علما را فراموش کنیم و هم آن عهد عمومی را، برای همین

۱. تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۲. سوره احزاب آیه ۷.

۳. سوره آل عمران آیه ۱۸۷.

۴. سوره یس آیه ۶۰.

روایت داریم که اگر عالم فاسد شود عالم فاسد می‌شود. عمده این است که ببینیم این عهد عمومی بین انسان و خدا چیست. اینجا چند وجه برای این عهد نام برده شده است.

برخی از این وجوه مورد پذیرش نیست و اهل تحقیق آن را نپذیرفته‌اند و برخی از این وجوه مورد قبول است. حدود ۵ وجه برای عهد الله ذکر شده که تقریباً دو وجه آن محل اشکال است و چند وجه دیگر قابل پذیرش است. عمده این است که ما این عهد را بشناسیم و ببینیم این عهد را کجا خداوند از ما گرفته، چه زمانی گرفته است؟ ما ممکن است فکر کنیم از وقتی به دنیا آمدیم یادمان نمی‌آید که معاهده‌ای امضا کرده باشیم و با خدا هیچ عهد و پیمانی نیستیم که در اینجا فاسقین متهم به نقض آن می‌شوند و خسارت دیده‌اند. پس مهم است که این عهد و پیمان را بشناسیم و اینکه چه زمانی این معاهده اتفاق افتاد و چگونه این عهد نقض می‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»